

خاک عالم بر سرم

هادی خرسندی



انقلابی کردم و شد غرق ماتم کشورم
----- خاک عالم بر سرم
تازه فهمیدم بلانسبت که خیلی هم
خرم ----- خاک عالم بر سرم

همچو مرغی پر کشیدم از قفس،
جان خودم! --- حال آسوده شدم !!
هم قفس شد تنگتر، هم کنده شد
بال و پر! --- خاک عالم بر سرم

چون رئیس جمهور را بینم، بیقتم در
عذاب ... میکنم خود را خراب
همچنین زهره ترک از دیدن آن
رهبرم خاک عالم بر سرم

حکم کردندم بگویم مرگ بر شاه آن
زمان گفتم و کردم فغان
شاه مرد و من به مرگ خویشتم هم
حاضر! --- خاک عالم بر سرم

مالک پائین اندامم، فقیه حاضر
است چارچشمی ناظر
است

حکم کردندم بگو الله اکبر روی بام
---- رفتم و گفتم مدام
حال بی الله مانده، زیر بار اکبرم!
---- خاک عالم بر سرم

هم به شورتیم گار دارد هم به وضع
بستم خاک عالم بر سرم

گفته آقا عشقبازی نیست بعد از این
مجاز من که دارم اعتراض
پس تعصن کرده ام زیر پتو با دلبرم!
..... خاک عالم بر سرم

گفت آقا، ضد آمریکا بده دائم
شعار هی زدم آنرا هوار
گفت خود پنهان به آمریکا که، لاکن
تو کرم! .. خاک عالم بر سرم

ای که پرسی روزگارم غرق وحشت یا
غم است؟ .. وحشت و غم باهم
است

عده ای قاتل، رئیس جمهور یا رهبر
شدند صاحب کشور شدند
این میان من ملتَم یا امتم یا منترم!
..... خاک عالم بر سرم

خشتک خیسیم بیین، پنگر به
چشمان ترم خاک عالم بر